

بررسی تطبیقی دیدگاه قرآن و علم کیهان‌شناسی درباره ماهیت و خلقت نخست کیهان با تأکید بر آرای تفسیری علامه جوادی آملی در تفسیر تسنیم

سلطان کهوسو^۱

چکیده

در قرآن کریم آیاتی به چشم می‌خورد که ادعا می‌شود ماهیت و خلقت نخست کیهان و کائنات را گزارش می‌نمایند. مفهوم برخی از این آیات متعلق به خلقت نخست کیهان، با توجه به نظریه جدید علم کیهان‌شناسی (نظریه انفجار بزرگ)، بسیار روشن‌تر از زمان گذشته به دست می‌آید. این نظریه، ماهیت و خلقت نخست کیهان و جهان را توده واحد عظیمی مشتمل بر بخار و گاز سوزان می‌داند که بر اثر انفجارات درونی و حرکت، تدریجاً تجزیه شد و کواکب و ستاره‌ها، از جمله منظومه شمسی و کره زمین و دیگر سیارات و کرات پدید آمده‌اند. اگرچه این نظریه در ابتدای قرن بیستم میلادی مطرح شد، ولی قرآن کریم ۱۴۰۰ سال قبل در پرتو سه کلمه «دخان»، «رتق» و «فتق»، از حقیقت نظریه مزبور پرده برداشته که همین نکته می‌تواند اعتقاد به وحیانی بودن متن قرآن را راسخ‌تر نماید. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، مفهوم و مفاد هر سه کلمه مزبور را از منظر بیانات تفسیری علامه جوادی آملی بررسی نموده و به این نتیجه دست یافته است که معظم‌له در تفسیرش، تسنیم، مفهوم هر سه واژه را اشاره قطعی به ماهیت و خلقت نخست کیهان و جهان دانسته و مفاد آن‌ها را کاملاً مساوی با نظریه انفجار بزرگ درباره ماهیت و خلقت نخست کیهان تفسیر نموده است.

کلیدواژه‌ها: نظریه انفجار بزرگ، خلقت کیهان، رتق و فتق، تفسیر تسنیم.

۱. دانش‌پژوه مقطع دکتری مدرسه عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.



مقدمه

انسان از نخستین روز تولدش به خاطر حس کنجکاوی خویش، که خداوند در ذاتش به ودیعه گذاشته، پیوسته به دنبال پاسخ این پرسش بوده که آیا این جهان و کائنات به همین شکلی که هست آفریده شده است؟ یا نه، بلکه در مرحله نخست، شکل و ماهیتی متفاوت داشته و بعداً به صورت موجود درآمده است؟ نظام شمسی و کره ماه و زمین و میلیون‌ها سیاره و ستاره و... چگونه به وجود آمده‌اند؟

بشر به خاطر حصول پاسخ و یا بهتر است که بگوییم به دنبال پاسخ دادن به ندای فطرت خویش، تحقیق و تفحص پیرامون خلقت جهان و کائنات را آغاز نمود. در هر مرحله از تحقیقات طولانی مدت و طاقت‌فرسا، به فرضیه جدید و نو دست یافت؛ ولی باز هم بر اساس حس کنجکاوی خویش به فرضیه‌های کشف‌شده قانع و مطمئن نشد و همچنان مسیر تحقیق و پژوهش را ادامه داد تا آنکه به آخرین فرضیه دست یافت که عبارت است از: «نظریه انفجار بزرگ». خلاصه این نظریه در دو جمله چنین است: «ماهیت و خلقت نخست کیهان و جهان، توده واحد عظیمی مشتمل بر بخار و گاز سوزان بوده که بر اثر انفجارات درونی و حرکت، تدریجاً تجزیه شد و کواکب و ستاره‌ها، از جمله منظومه شمسی و کره زمین و دیگر سیارات و کرات پدید آمده‌اند».

اگرچه نظریه مزبور در ابتدای قرن بیستم میلادی مطرح شد، ولی به باور بسیاری از مفسران فریقین، قرآن کریم ۱۴۰۰ سال قبل در پرتو سه کلمه «دخان»، «رتق» و «فتق»، از حقیقت نظریه یادشده پرده برداشته است؛ و همین مطلب می‌تواند اعتقاد به وحیانی بودن متن قرآن را راسخ‌تر نماید. از این‌جا است که ضرورت و اهمیت پرداختن به این‌گونه موضوعات از دیدگاه قرآن حکیم معلوم می‌گردد. در جهان امروز، پیشرفت خیره‌کننده علم و تکنولوژی حتی بسیاری از دین‌باوران را نیز به سراب مادی‌گرایی سوق داده و از معنویت و روحانیت دور نموده است. در این رهگذر اگر با دلایل قاطع و غیرقابل انکار، وحیانی بودن قرآن کریم اثبات شود، از این طریق شاید بتوان مسلمانان متأثر از پیشرفت تکنولوژی و مادی‌گرا را به راه روحانیت و معنویت بازگرداند و نسبت به باور مادی‌گرایی، تفکرشان را اصلاح نمود. علاوه بر آن، کسانی که از پیش به وحیانی بودن این کتاب مقدس دین اسلام ایمان و باور دارند، اعتقادشان بیشتر تقویت خواهد شد.

بنابراین، این پرسش از دیدگاه قرآن کریم قابل بررسی است که ماهیت و خلقت نخست کیهان و کائنات چگونه بوده است؟ آیا ماهیت و خلقت نخست کیهان به همین شکلی که الان هست بوده، و یا نه، بلکه در مرحله نخست، شکل و ماهیتی متفاوت داشته و بعداً به صورت موجود درآمده است؟ در این زمینه، رأی و دیدگاه قرآن کریم با فرضیه‌های علوم جدید موافق است یا مخالف؟

مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای در راستای حصول پاسخ درباره پرسش‌های مزبور، آرای تفسیری یکی از مفسران برجسته معاصر امامیه، علامه عبدالله جوادی آملی را بررسی نموده است. معظّم له در قرن پانزدهم هجری قمری از جمله مفسران پارسی‌زبان هستند که به عنوان مجتهد و متبحر کامل در جمیع علوم عقلی و نقلی شناخته می‌شوند. تفسیرش موسوم به تسنیم، تفسیری است کاملاً

اجتهادی و عقلی و نخستین طولانی‌ترین تفسیر شیعه در تاریخ اسلام که نامبرده کل قرآن کریم را در ۹۰ جلد ضخیم تفسیر نموده است.

موصوف هنگام تفسیر آیه ۸۹ سوره نحل و آیه ۳۰ سوره انبیاء توضیحاتی عرضه نموده که با مؤلفه‌های نظریه انفجار بزرگ مربوط به ماهیت و خلقت نخست کیهان و کائنات کاملاً همخوانی دارد؛ و در پرتو آرای تفسیری جناب‌عالی می‌توان چنین نتیجه گرفت که دیدگاه قرآن کریم درباره ماهیت و خلقت نخست کیهان، کاملاً موافق با فرضیه علوم جدید است که در ابتدای قرن بیستم مطرح شد و محققان آن را به عنوان «نظریه انفجار بزرگ» مطرح کرده‌اند. تبیین و توضیح مفاد این نظریه به اختصار، پس از تقدیم مقدمه‌ای کوتاه مربوط به «قلمرو جامعیت قرآن» صورت خواهد گرفت و سپس بیانات تفسیری علامه موصوف را تقدیم نموده و با مفاد نظریه یادشده تطبیق خواهیم داد؛ و در پایان نیز مطالبی به عنوان نتیجه بحث عرضه خواهد شد. و گفتنی است که بیشتر مطالب تفسیری مفسر محترم به صورت ترکیبی و مخلوط با عبارات تحلیلی نویسنده مقاله همراه است و بدیهی می‌باشد که این نوع بیاناتش قابل ارائه در داخل علامت گیومه نبوده است.

بررسی دیدگاه علم کیهان‌شناسی و قرآن کریم پیرامون ماهیت و خلقت نخست کیهان

قبل از تبیین دیدگاه علم کیهان‌شناسی و قرآن کریم درباره ماهیت و خلقت نخست کیهان و کائنات، لازم دانستیم این مطلب را به عنوان مقدمه بحث تقدیم نماییم که محققان اسلامی، اعم از شیعه و سنی، بر نظریه جامعیت قرآن وفاق نموده‌اند و اختلاف میان‌شان فقط در مورد قلمرو جامعیت است. در این زمینه، حداقل سه نظریه مطرح نموده‌اند:

نظریه یکم: تمامی علوم دینی و بشری در قرآن کریم موجود است

ابوحامد غزالی از مدافعان و طرفداران سرسخت این نظریه است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ص. ۳۲؛ رضایی اصفهانی و ملاکاظمی، ۱۳۸۹، ص. ۸۱). و بسیاری از دیگر مفسران و محققان فریقین نیز با او هم‌عقیده‌اند مانند: ابوالفضل مرسی (ذهبی، ۱۴۲۵، ج. ۲، ص. ۳۲۴؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ص. ۳۲)؛ بدرالدین زرکشی (زرکشی، ۱۴۰۸، ج. ۱، ص. ۲۸؛ مطوری و مرادی، ۱۴۰۲، ص. ۱۵۹)؛ جلال‌الدین سیوطی (سیوطی، بی‌تا، ج. ۴، ص. ۳۸؛ ذهبی، ۱۴۲۵، ج. ۲، ص. ۳۲۳) و طنطاوی جوهری. و از امامیه، مرحوم فیض کاشانی (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ص. ۳۲؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۳) و صدرالدین شیرازی (کلانتری، ۱۳۸۲، ص. ۷۳).

علاوه بر اینان، به تصریح برخی محققان معاصر، دانشمندانی از فریقین همچون عبدالله بن مسعود ابن‌سینا و شیخ طوسی و فخر رازی و علامه مجلسی و محمد عبده و سر سید احمد خان، از اندیشمندان معاصر اهل سنت از هند، نیز از جمله طرفداران نظریه یادشده شناخته می‌شوند (مطوری و مرادی، ۱۴۰۲، صص. ۲۱۱-۱۴۳).



نظریه دوم: قرآن فقط برای هدایت و تربیت انسان نازل شده است

مفسرانی از فریقین مانند طبری و امین‌الاسلام طبرسی و قاضی بیضاوی و علامه طباطبائی، ذیل آیه ۸۹ سوره نحل، مفهوم این فراز: «تَبَيَّنًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» را ناظر به همین نظریه دانسته‌اند (کلانتری، ۱۳۸۲، صص. ۷۵-۷۶؛ رضایی اصفهانی و ملاکاظمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹).

و البته ابواسحاق شاطبی از محققان پیشین نیز از جمله طرفداران جدی نظریه یادشده شناخته می‌شود (ذهبی، ۱۴۲۵، ج. ۲، ص. ۳۲۸؛ گلشنی، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۰)، و دکتر ذهبی از محققان معاصر از کشور مصر نیز با شاطبی هم‌عقیده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۰؛ ذهبی، ۱۴۲۵، ج. ۲، ص. ۳۳۱).

برخی پژوهشگران معاصر، شیخ محمد شلتوت و امین الخولی و محمود عقاد و علامه زرقانی، مؤلف کتاب مناهل العرفان را نیز از مدافعان و طرفداران نظریه یادشده دانسته‌اند (بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸، ص. ۲۵۳).

و گفتنی است که مفسران موافق نظریه یادشده و مخالف تفسیر علمی در شبه‌قاره هند و پاکستان نیز یافت می‌شوند، مانند ابوالاعلی مودودی و مفتی شفیع عثمانی دیوبندی (مودودی، ۲۰۰۷، ج. ۲، ص. ۵۶۴؛ عثمانی، ۱۴۲۸، ج. ۵، ص. ۳۸۶).

نظریه سوم: قول به تفصیل

یعنی هدف اصلی قرآن کریم، هدایت و تربیت انسان است و در راستای حصول این هدف، به صورت تراوشی به معارف علمی نیز اشاره نموده است. مرحوم طالقانی (طالقانی، بی‌تا، ج. ۴، ص. ۳۳۸؛ گروه نویسندگان مجتمع آیت‌الله طالقانی، ۱۳۸۷، صص. ۴۸۰-۴۷۷)؛ علامه مصباح یزدی و محقق رضایی اصفهانی (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳، صص. ۱۷۷، ۱۸۰)؛ مصطفی مراغی مصری و مهدی گلشنی (گلشنی، ۱۳۸۷، صص. ۱۱۷-۱۱۸)؛ و جعفر سبحانی (سبحانی، ۱۳۸۳، صص. ۱۱-۱۲؛ بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸، ص. ۲۵۴)؛ و علامه جوادی آملی (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج. ۴۷، صص. ۲۱۷، ۲۲۱) را می‌توان از جمله قائلین این نظریه سوم دانست.

طرفداران هر سه نظریه (به‌ویژه مدافعان دیدگاه نخست) می‌توانند مخاطبان پرسش‌های ذیل باشند و باید پاسخ دهند که:

دیدگاه قرآن کریم درباره ماهیت و خلقت نخست کیهان و کائنات چیست؟ آیا فرضیه این کتاب آسمانی با فرضیه‌های علم کیهان‌شناسی موافق است یا مخالف؟

به نظر می‌رسد قبل از ارائه هرگونه پاسخ، شایسته است که نخست، دیدگاه جدید علم کیهان‌شناسی پیرامون ماهیت و خلقت نخست کیهان و جهان تبیین شود، سپس فهم دیدگاه قرآن آسان‌تر خواهد بود. علم کیهان‌شناسی از جمله علمی است که درباره ریشه پیدایش و خلقت کیهان و کائنات (یعنی خلقت زمین و آسمان‌ها و ستاره‌ها و کیهان‌ها و...) بحث می‌کند و در این زمینه نظریه ارائه می‌دهد.

محققان و متخصصان کیهان‌شناس تاکنون، در زمینه ماهیت و پیدایش کیهان و کائنات نظریه‌های گوناگون عرضه کردند که معروف‌ترین آن‌ها نظریه «انفجار بزرگ» می‌باشد. در این رابطه، عده‌ای از محققان برجسته معاصر چنین گفته‌اند: «این نظریه در ابتدای قرن بیستم میلادی مطرح شد و تا امروز یکی از بهترین نظریه‌ها در زمینه پیدایش جهان شناخته می‌شود. برخی از اخترشناسان معروف معاصر، این نظریه را به دانشمند روسی «ژرژ گاموف» نسبت داده‌اند» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج. ۱، صص. ۱۰۳-۱۰۲؛ رضایی اصفهانی و ملاکاطمی، ۱۳۸۹، ص. ۳۶).

ادوارد لوتر کپل - یکی از دانشمندان معروف و ماهر در علم کیهان‌شناسی - در ارتباط با نظریه یادشده سخنانی دارد که بسیار قابل تأمل است. او بیان می‌دارد: «علم جدید، حدوث عالم را اثبات می‌کند و علاوه بر آن، این مطلب را نیز روشن و اثبات می‌نماید که جهان از حالت گازی در یک لحظه معینی در نتیجه یک انفجار بزرگ به وجود آمده است و به نظر می‌رسد که این لحظه حدوداً پنج میلیون سال پیش بوده و هنوز هم در حال رشد است» (بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸، ص. ۱۹۰).

خلاصه نظریه انفجار بزرگ را در چند جمله چنین می‌توان ارائه داد: نزدیک به بیست میلیارد سال قبل، مجموع ماده و انرژی موجود در جهان، در یک نقطه‌ای بسیار کوچک و فشرده متمرکز بوده است. این نقطه کوچک و بی‌نهایت چگال و مرکب از ماده و انرژی (در یک لحظه بسیار مختصر و کوتاه) منفجر شد. به فاصله چند ثانیه پس از انفجار شدید این آتشگوی، ماده و انرژی به سرعت نور در همه سو منتشر شد. پس از مدت کمی (احتمالاً چند ثانیه تا چند سال) ماده و انرژی (به خاطر قوت و شدت انفجار) به نحوی از هم تفکیک شدند که تمام اجزای گوناگون جهان امروز از دل این انفجار ابتدایی بیرون ریخته‌اند.

به عبارتی دیگر و ساده‌تر: مجموعه این جهان (در ابتدا) به صورت توده واحد عظیمی از بخار سوزان بود. سپس در یک زمانی خاص، انفجارهای شدید و قوی در درون این توده رخ داد و تجزیه شد. نتیجه این انفجارها و تجزیه آن شد که کواکب و ستاره‌ها و سیارات، از جمله منظومه شمسی و کره زمین و دیگر کرات و سیارات به وجود آمدند.

و در مورد کیفیت شدت انفجار نیز مطلب عجیبی نقل شده که بسیار شگفت‌انگیز و دلچسب می‌باشد: «این انفجار به حدی قوی و شدید بوده است که بر اثر آن، تا به امروز تمامی کهکشان‌ها، ستارگان و سیارات با سرعت زیادی در حال حرکت‌اند و سرعت حرکتشان نیز طوری است که از همدیگر دور و دورتر می‌شوند».

گفته می‌شود که یکی از دانشمندان ماهر در علم کیهان‌شناسی - ادوین هابل - در سال ۱۹۹۰ میلادی بر اساس تحقیقات وسیعی که انجام داد، مطلب مزبور را تأیید نموده است.

این بود خلاصه‌ای از نظریه انفجار بزرگ مربوط به ماهیت و خلقت نخست کیهان و کائنات؛ که لب عبارات از بیانات محقق برجسته معاصر محمدعلی رضایی اصفهانی اقتباس شد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج. ۱، صص. ۱۰۳-۱۰۲، ۱۰۶؛ رضایی اصفهانی و ملاکاطمی، ۱۳۸۹، ص. ۳۶).



اینک باید بررسی نمود که دیدگاه قرآن کریم در مواجهه با این نظریه علمی چیست؟ آیا آن را رد می‌کند یا تأیید می‌نماید؟

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، علامه جوادی آملی هنگام پرده‌برداری از آیه ۸۹ سوره نحل، مفهوم این فراز: «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» را چنین تفسیر کرده است: «مفهوم واژه «تبیین» این نیست که همه علوم در قرآن موجود است، بلکه مراد از آن این است که قرآن روشن‌کننده همه علوم و معارف است. یعنی می‌خواهند بگویند که عبارت ترکیبی «كُلُّ شَيْءٍ» هرچند علوم را نیز شامل می‌شود؛ ولی چه کنیم که مراد از کلمه «تبیین» این نیست که همه علوم در قرآن موجود است؛ بلکه معنایش این است که قرآن روشن‌کننده همه علوم است، و این غیر از اولی است».

ایشان پس از این توضیحات، ذیل این عنوان: «دو نمونه از تبیان بودن قرآن»، تبیین می‌نمایند که چگونه قرآن کریم یکی از مسئله مهم مربوط به علم کیهان‌شناسی را روشن و آشکار کرده است. برای اثبات این ادعا می‌نویسند:

خداوند حکیم، آفرینش و خلقت کیهان و جهان (یعنی پیدایش زمین و آسمان‌های هفت‌گانه و کهکشان‌ها و ستاره‌ها و سیاره‌ها و...) را مرحله‌به‌مرحله و موبه‌مو گزارش داده است:

اول از همه، ماهیت و اصالت کیهان و جهان مخلوق را بازگو کرده و می‌فرماید که همگی حق است و چیزی جز حق نمی‌تواند باشد: (خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ) (نحل، ۳) «(خداوند) آسمان‌ها و زمین را به حق آفرید»؛ (مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ) (دخان، ۳۹) «و ما آن‌ها (آسمان و زمین) را جز به حق نیافریدیم». البته غیر از این، ماهیت دیگری نیز برای زمین و آسمان‌ها مطرح است که در محل مناسب به آن اشاره خواهیم کرد.

در ادامه می‌نویسند: سپس خداوند می‌فرماید که این کیهان مخلوق (جهان خلق شده) که اصالت آن حق است، در مرحله نخست چیزی جز شیئی بسته و سر بسته نبود و سپس بازگشایی شده و گسترش یافته است: (أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا...) (انبیاء، ۳۰) «آیا کسانی که کافر شدند، ندیدند که آسمان‌ها و زمین بسته بودند (و آب و گیاه نمی‌دادند) و ما آن‌ها را شکافتیم».

ایشان در جلد ۵۶ تسنیم ذیل همین آیه، در ابتدای بحث، به مطلب مهم مربوط به آیه اشاره نموده و می‌نویسند: «این آیه، از جامعیت ویژه‌ای در بحث کیهان‌شناسی و زمین‌شناسی برخوردار است و مبانی فراوانی را می‌توان از آن دریافت؛ نیز برهانی تجربی در اثبات توحید است».

پس از این مطلب — همان‌طور که منهج تفسیری جناب‌عالی اقتضا می‌کند — خلاصه‌ای از تفسیر و مفهوم آیه را بیان کرده و سپس معنای لغوی دو واژه «رتق» و «فتق» را تبیین می‌نمایند. پس از آشنایی و آگاهی از مفهوم ظاهری این دو کلمه، معلوم می‌شود که قرآن مجید ۱۴۰۰ سال قبل نظریه «انفجار بزرگ» پیرامون ماهیت و خلقت نخست کیهان و کائنات را مطرح ساخته بود؛ اما چون علم کیهان‌شناسی در آن زمان ظهور و پیشرفت نکرده بود، مفهوم این نظریه نیز برای مردم آن دوره مجهول و مخفی مانده بود. لذا آنان، در حد فهم

عرفی خود، مفهوم هر دو کلمه را چنین تفسیر می‌کردند: «مراد از بسته بودن آسمان این است که باران نمی‌بارد و از آسمان آب نازل نمی‌شود؛ و مراد از بسته بودن زمین این است که از آن گیاه نمی‌روید و اصلاً سبز نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۶، ج. ۱۴، ص. ۳۰۹؛ رازی، ۱۴۲۴، ج. ۸، ص. ۲۴۵۰؛ بغوی، ۱۴۲۲، ج. ۴، ص. ۲۸).

جالب آن است که مفهوم مزبور، حتی امروزه نیز در ترجمه آیه ملاحظه می‌گردد؛ همان‌طور که در ترجمه ارائه‌شده، که از قلم محقق قرآن‌شناس ابوالفضل بهرام‌پور است، ملاحظه کردید. حال آنکه امروزه پیشرفت فوق‌العاده علم کیهان‌شناسی، معنا و مفهوم دو کلمه و آیه را کاملاً روشن و آشکار نموده است. البته مفهوم یادشده، برگرفته از روایات است که مرحوم هادی معرفت آن‌ها را ضعیف (مجهول و مقطوع) دانسته و مفهوم گفته‌شده را نیز برخلاف تعبیر قرآن و تحقیق می‌دانند (خطا و معرفت، ۱۳۹۳، ج. ۶، ص. ۱۷۸؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ص. ۱۰۶).

ایشان معنا و مفهوم دو واژه «رتق» و «فتق» را نیز این‌گونه توضیح داده‌اند: رتق یعنی پیوست کردن و بسته بودن چند چیز به هم. کسی که در کاری، هم گره‌زننده باشد، هم گره‌گشا، به او راتق و فاتق می‌گویند. این واژه، در آیه یادشده مصدر می‌باشد؛ ولی به معنای مفعول آمده و از بسته بودن آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌های هفت‌گانه یا بسته بودن نظام کیهانی (اعم از آسمان‌ها، زمین و دیگر موجودات) حکایت دارد.

و فتق یعنی گشودن و جداسازی دو چیز به‌هم‌پیوسته. اگر کسی پارچه دوخته یا بافته‌شده را بشکافد و قطعات آن را از هم جدا سازد، درباره چنین شخص نیز رتق و فتق به کار می‌رود.

با توجه به مفهوم ظاهری هر دو واژه، از ظاهر آیه این معنا برداشت می‌شود که آسمان‌ها و زمین قبلاً بسته بودند و خدا آن‌ها را شکافت و باز کرد. پرسش اصلی این است که آسمان‌ها و زمین نخست چه چیزی و بسته مانده بودند و سپس شکاف و جداسازی آن‌ها صورت گرفت؟

علامه مفسر در پاسخ به این پرسش، آیه ۱۱ و ۱۲ سوره فصلت را شاهد آورده و بیان می‌دارند: در بخش‌های وابسته به آسمان‌های هفت‌گانه خداوند می‌فرماید که راه شیری و کهکشان‌ها و شمس و قمرهای دیدنی، در آغاز دود و گاز بودند و خدا آن‌ها را به صورت خورشید و ماه درآورد: (ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ * فَفَضَّلْنَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ ... وَ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ) (فصلت، ۱۱ و ۱۲) «سپس به آسمان پرداخت در حالی که (به صورت) دود بود، آنگاه به آن و زمین گفت: خواه یا ناخواه بیایید، گفتند: فرمانبردارانه آمدیم * پس آن‌ها را هفت آسمان کرد... و آسمان نزدیک‌تر را به چراغ‌ها آذین کردیم».

ایشان پس از تبیین مفهوم لغوی کلمه رتق و فتق، در مقام تفسیر و تبیین مفهوم آیه برآمده و از ظاهر بیاناتشان این مفهوم به دست می‌آید که آیه مورد بحث (آیه ۳۰ سوره انبیاء که متن آن اندکی پیش تقدیم شد)، در واقع به تشویق یادگیری علم کیهان‌شناسی و زمین‌شناسی پرداخته است؛ تا از این طریق شاید بشر (به‌ویژه کفار) به خداشناسی روی آورده و ایمان بیاورند. می‌نویسند: «همه انسان‌ها به‌ویژه کافران، باید در پی آسمان‌شناسی و زمین‌شناسی بروند و بدانند که آسمان‌ها و زمین نخست بسته بودند و می‌توان فهمید که این



حالت در چند میلیارد سال پیش بوده است؛ زیرا اکنون بشر توانسته که بگوید این نوری که هم‌اکنون از برخی ستاره‌ها به زمین می‌رسد، چند میلیون سال یا میلیارد سال پیش حرکت کرده که اکنون به ما می‌رسد، در حالی که معلوم نیست این ستاره‌ها فعلاً آنجا باشند. اگر این مطالب را بشر نمی‌توانست بفهمد، قرآن کریم تشویق نمی‌کرد که بروید، جست‌وجو کنید و نمی‌فرمود که: «مگر نمی‌بینید...»؛ یعنی پس از فحص و جست‌وجو در این زمینه، مسئله به‌قدری روشن و آشکار می‌شود که از رأی به رؤیت می‌آید و از عقل به حس... الخ».

موصوف در جلد ۴۷ تسنیم، ذیل آیه ۸۹ سورة نحل، با استشهاد آیه ۳۰ سورة انبیاء مفهوم شکافتن و باز کردن مجموعه آسمان‌ها و زمین را این‌طور بیان کرده است که خدا آن‌ها را با انفجار شکافت و باز کرد؛ مجموعه‌ای که حسابشان بالاتر از میلیاردها است و در هر فرصت مناسبی ستاره‌ها، سیاره‌ها و قمرها و... از آن تولید می‌شوند.

نظر و رأی علامه طباطبائی نیز قریب به همین مضمون است و خلاصه کلام ایشان درباره معنای «رتق» و «فتق» را بدین نحو شایسته تقدیم می‌دانیم: «منظور از رتق و پیوستگی (زمین و آسمان‌ها)، یکنواخت بودن مواد جهان است؛ به‌طوری که همه در هم فرو رفته بود و به صورت ماده واحدی خودنمایی می‌کرد، ولی با گذشت زمان، مواد (به‌وسیله انفجار) از هم جدا شدند و سپس ترکیبات جدیدی پیدا کردند و بدین ترتیب انواع مختلف گیاهان و حیوانات و موجودات دیگر در آسمان و زمین ظاهر شدند» (طباطبائی، ۱۳۹۶، ج. ۱۴، ص. ۳۰۳؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج. ۱، ص. ۱۰۶).

با توجه به مجموع توضیحات ارائه‌شده، می‌توان گفت که واژه «رتق» و «فتق» که مربوط به آسمان‌ها و زمین به کار رفته‌اند، اشاره به نحوه پدید آمدن کیهان و جهان دارند و بیانات استاد و شاگرد کاملاً هماهنگ با نظریه انفجار بزرگ پیرامون ماهیت و خلقت کیهان است که می‌گوید: «مجموعه این جهان (در ابتدا) به صورت توده واحد عظیمی از بخار سوزان بود. سپس (در یک زمانی خاص) انفجارهای شدید و قوی در درون این توده رخ داد و تجزیه شد. نتیجه این انفجارها و تجزیه این شد که کواکب و ستاره‌ها و سیارات، از جمله منظومه شمسی و کره زمین و... به وجود آمدند و باز هم جهان در حال گسترش است».

این نوع تعبیرات، در واقع از یکپارچگی و یکنواختی بودن زمین و آسمان‌ها در مرحله نخست و سپس جدا شدن آن‌ها از همدیگر خبر می‌دهد که روایات نیز بر آن صحنه می‌گذارد. در تفسیر بغوی از مجاهد و سدی از ابوصالح (ذیل آیه ۳۰ سورة انبیاء) چنین نقل شده است: «كانت السماوات مرتتقة طبقة واحدة، ففتقها وجعلها سبع سماوات، و كذلك الارض كانت مرتتقة طبقة واحدة، ففتقها وجعلها سبع ارضين؛ آسمان‌های هفت‌گانه (در مرحله نخست) به صورت یک طبقه بسته و چسبیده به هم و یکی بودند، سپس خداوند جدایشان ساخت و به صورت هفت آسمان قرار داد، و همین‌طور زمین‌ها نیز به صورت یک طبقه بسته و چسبیده به هم بودند، سپس خداوند جدایشان ساخت و هفت زمین قرار داد» (بغوی، ۱۴۲۲، ج. ۴، ص. ۲۸). ناگفته نماند که روایت مزبور در تفسیر ابن ابی‌حاتم رازی نیز نقل شده و عبارتش چنین است: «قال ابوصالح: كانت السماء واحدة ففتق منها سبع سماوات، و كانت الارض واحدة ففتق منها سبع ارضين» (رازی، ۱۴۲۴، ج. ۸، ص. ۲۴۵۰).

در پرتو توضیحات ارائه شده، درستی ادعای علامه جوادی درباره خلقت کیهان و جهان به اثبات می‌رسد که گوید: خداوند آفرینش زمین و آسمان‌ها را مرحله به مرحله و موبه‌مو گزارش داده است. اول از همه، حقیقت و ماهیت زمین و آسمان‌ها و کیهانشان‌ها را روشن ساخت که حق‌اند و در ابتدای امر به شکل دود و گاز بسته و سربسته بودند؛ سپس شکافته شده و از هم باز و جدا شدند. آیات مربوط به این مراحل و مطالب تفسیری درباره آن‌ها دانسته شد؛ و اما ادامه مراحل خلقت کیهان و جهان را جناب مفسر این‌طور تبیین می‌کنند:

پس از انفجار و شکاف، خداوند به زمین و آسمان‌ها تولدی دیگر داد. آسمان‌ها را وسعت داد و زمین را گستراند: (وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيِّدٍ وَ إِنَّا لَمُوسِعُونَ) (ذاریات، ۴۷) «و آسمان را با دستان (قدرت) خود بنا نهادیم و پیوسته گسترش می‌دهیم». وسعت دادن آسمان‌ها شاید به این معنا باشد که مثلاً فلان ستاره را از فلان ستاره پدید آورد (همان‌طور که در نظریه انفجار بزرگ نیز مطرح است که پس از انفجار ماده و انرژی، بر اثر شدت انفجار جهان هنوز هم در حال گسترش است)؛ و نیز می‌تواند این مفهوم را داشته باشد که آسمان‌ها را هفت طبقه قرار داد: (الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا) (ملک، ۳) «همان (خدای) که هفت آسمان را بالای هم بیافرید». روایت موافق با این معنا اندکی قبل از تفسیر بغوی و ابن‌حاتم رازی تقدیم شد.

سپس آسمان نخست را — که نزدیک‌ترین آن‌هاست — به ستاره‌های گوناگون زینت داد: (وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ) (ملک، ۵) «و همانا آسمان نزدیک‌تر را با چراغ‌هایی زینت دادیم». زمان باز شدن مجموعه بسته را نیز در مجموع شش روز اعلام فرموده است: (الَّذِي خَلَقَ السَّمُوتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ) (فرقان، ۵۹) «همان (خدای) که آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، در شش روز آفرید».

معظم‌له پس از بیان این آیه اخیر، در حاشیه می‌نویسد: «مراد از ایام، تطورات و دوره‌هایی است که هر یک چندین میلیون سال طول می‌کشد؛ نه یوم و روز در برابر شب یا شبانه‌روزی یا روزگار؛ زیرا هنوز از خورشید و ماه و حرکت‌های وضعی و انتقال زمین خبری نبود، تا روز، شب، ماه و سالی باشد».

با دقت در توضیحات تفسیری ایشان معلوم می‌شود که بیاناتشان با مفاد ظاهری نظریه انفجار بزرگ کاملاً تطبیق دارد؛ و این‌طور است که با استخدام علوم می‌توان تفهیم لایه‌های عمیق قرآن را آسان‌تر نمود.

موصوف در ادامه می‌نویسند: آفرینش زمین و سپس گستراندن آن پس از انفجار نخست، در دو روز (دو مرحله و دوره) صورت گرفت: (خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ) (نازعات، ۳۰) «و زمین را در دو روز آفرید» (فصلت، ۹)؛ (وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا) «و پس از آن زمین را بگسترده».

آفرینش و پردازش آسمان‌ها نیز در دو روز (دوره) بود: (ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ... * فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ) (فصلت، ۱۱ و ۱۲) «سپس به آسمان پرداخت در حالی که (به صورت) دود بود... * پس آن‌ها را در دو روز هفت آسمان کرد...».

بعد از ذکر این آیات اظهار می‌دارند: «آسمان‌ها به صورت دود و گاز بودند و خدا آن مواد گازی را به صورت طبقات هفت‌گانه، خورشید، ماه، ستارگان و سیاراتی زیبا و شگفت‌انگیز درآورد».



پس از خلقت آسمان‌ها و زمین، موجودات میان آن دو نیز در دو روز خلق شده‌اند؛ چون چهار روز برای آفرینش زمین و آسمان‌ها بود و باقی‌مانده برای موجودات میان زمین و آسمان‌ها است. بدین ترتیب، کل کیهان و کائنات در مجموع در شش روز (یعنی در شش دوره و مرحله) خلق شد و ظهور پیدا کرد.

این بود خلاصه‌ای از بیانات تفسیری علامه جوادی آملی که در جلد ۴۷ و ۵۶ تفسیرش تسنیم، ذیل آیه ۸۹ سوره نحل و آیه ۳۰ سوره انبیاء عرضه داشته‌اند. از مجموع بیانات تفسیری ایشان ذیل دو آیه یادشده و آیات مشابه می‌توان نتیجه چنین گرفت که پیشرفت علوم بشری می‌تواند در فهم لایه‌های عمیق معارف قرآنی نقش بسزایی داشته باشد. بنابراین، استخدام علوم برای فهم معارف قرآنی قابل اغماض و چشم‌پوشی نیست؛ و این نوع علوم — که معانی آیات علمی مربوط به علوم بشری را بیشتر روشن و قابل فهم می‌نماید — می‌تواند در هدایت و تربیت بشر و در تحکیم اعتقاد مربوط به وحیانی بودن متن قرآن کریم نقش ایفا کند. این همان مطلبی است که مفسر گرامی به آن اشاره نموده و گفته‌اند: «قرآن کریم، روشن‌کننده علوم و معارف است؛ نه آنکه همه علوم و معارف در آن باشد، تا کسی بگوید، بسیاری از علوم معارف مانند علوم غریبه در آن نیست! سعادت دنیایی و آخرتی بشر در گرو رهنمودهای علمی-معرفتی قرآن کریم است؛ زیرا همه علوم، فنون و معارف در سعادت بشر سهم دارند» (جوادی آملی، ۱۳۹۹، ج. ۴۷، صص. ۲۱۷، ۲۲۱).

نتیجه‌گیری

دو کلمه «رتق» و «فتق» در آیه ۳۰ سوره انبیاء و همچنین واژه «دخان» در آیه ۱۱ سوره فصلت، مربوط به آسمان‌ها و زمین به کار رفته‌اند. از زمان نزول قرآن تا قرن‌ها بعد از آن، تا وقتی که علوم بشری پیشرفت نکرده بود، اغلب مفسران واژه «رتق» و «فتق» را این‌گونه تفسیر می‌کردند: مراد از رتق (بسته بودن) آسمان‌ها آن است که از آن‌ها باران نمی‌بارید؛ و زمین بسته است یعنی از آن گیاهی نمی‌روید. طبق این تفسیر، مفهوم «فتق» (باز شدن) آسمان‌ها و زمین نیز روشن است. باید گفت که مطلبی فراتر از این مفهوم، در زمان نزول و زمان‌هایی که علوم بشری چندان پیشرفت نکرده بود، به آسانی برای کسی قابل فهم نبود.

اما با گذشت زمان و از وقتی که رشد و پیشرفت علم کیهان‌شناسی تحقق یافت، با استخدام آن در فهم قرآن، مفهوم جدیدی از هر سه کلمه به دست آمد. این مفهوم جدید را نظریه نوین علم کیهان‌شناسی (نظریه انفجار بزرگ) بیشتر از دیروز روشن و آشکار ساخته است. قرآن کریم، با استفاده از کلمه «دخان» ماهیت و حقیقت زمین و آسمان‌ها را چنین گزارش داده که در ابتدای امر دارای حقیقتی واحد، گاز و دود بودند؛ و اما با استفاده از واژه «رتق» رساند که آسمان‌ها نه فقط گاز و دود بلکه گازی بسته و سربسته بوده‌اند؛ و در پایان با کلمه «فتق»، که به معنای باز کردن و جدا نمودن چند چیز به هم پیوسته است، کیفیت خلقت نخست کیهان و جهان را تفهیم کرده است. بنابراین، می‌توان گفت که هر سه کلمه در کنار هم، در واقع خلاصه نظریه انفجار بزرگ مربوط به ماهیت و خلقت نخست کیهان و جهان را بازگو می‌کنند.

علامه جوادی آملی مفهوم «فتق» (باز کردن و جدا کردن) آسمان‌ها و زمین‌ها از همدیگر را مساوی با انفجار می‌دانند. یعنی مجموعه گاز بسته با تمام قوت منفجر و باز شد و تمام اجزای گوناگون جهان امروز از قبیل: زمین‌های هفت‌گانه، آسمان‌های هفت‌گانه، سیارات، کهکشان‌ها، ستاره‌ها و... از دل همین انفجار نخست بیرون آمده و تولد یافته‌اند؛ و هنوز هم در هر فرصت مناسبی در تعداد سیاره‌ها و ستاره‌ها افزوده می‌گردد. دانشمندان معاصر علم کیهان‌شناسی نیز به این نتیجه رسیدند که این افزودگی سیارات و کهکشان‌ها و حرکت پرسرعت آن‌ها بر اثر شدت انفجار است که در مرحله نخست در درون گاز بسته رخ داده بود. این مفهوم جدید آیه، برای مردم زمان نزول و اعصار بعد که هنوز علوم بشری پیشرفت نکرده بود، آن‌طور که باید قابل فهم و درک نبود؛ اما امروزه وقتی این مفهوم جدید آیه را با توجه به نظریه انفجار بزرگ، که با پیشرفت چشمگیر علم کیهان‌شناسی پیرامون پیدایش کیهان و جهان مطرح شد، مورد توجه قرار می‌دهیم، بسیار روشن‌تر از دیروز قابل فهم است.

بنابراین، نمی‌توان این نتیجه را نادیده گرفت که استخدام علوم بشری در کشف لایه‌های پنهانی آیات علمی بسیار کمک‌کننده و راهگشا در تفسیر آیات است؛ و باید دانست که این نوع کشف که با استخدام علوم پیشرفته صورت می‌گیرد، بی‌ارتباط با هدف هدایت و تربیت انسان نیست، همان‌طور که علامه موصوف نیز بر همین باور هستند؛ چون این‌گونه کشف و تفسیر علمی از یک طرف در تعمیق و تحکیم معرفت نسبت به موضوع و حیانی بودن متن قرآن مؤثر است؛ و از سویی دیگر، اعجاز علمی قرآن را نیز بهتر به نمایش می‌گذارد و از این طریق عظمت و ابهت این کتاب آسمانی در دل انسان، چه مؤمن و چه کافر، بیشتر قابل رسوخ است.



منابع

- قرآن کریم. (ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور).
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۲ق). معالم التنزیل فی التفسیر و التأویل. بیروت: دار الفکر.
- بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه. (۱۳۸۸). مجموعه مقالات قرآن و علوم روز (قرآن و علوم طبیعی ۲). مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۹). تسنیم (چاپ دوم). قم: مرکز نشر اسراء.
- خطاط، مجتبی و معرفت، حامد. (۱۳۹۳). ترجمه التمهید فی علوم القرآن. قم: انتشارات تمهید.
- ذهبی، محمدحسین. (۱۴۲۵ق). التفسیر و المفسرون. بی‌جا: آوند دانش للطباعة و النشر.
- رازی، عبدالرحمان بن محمد (ابن ابی حاتم). (۱۴۲۴ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الفکر.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۳). درآمدی بر تفسیر علمی قرآن (چاپ دوم). تهران: انتشارات اسوه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی و ملاکاطمی، محسن. (۱۳۸۹). اعجازها و شگفتی‌های علمی قرآن (چاپ دوم). قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله. (۱۴۰۸ق). البرهان فی علوم القرآن (تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا). بیروت: دار الفکر.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۸۳). قرآن و اسرار آفرینش (چاپ سوم). قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- سیوطی، جلال‌الدین. (بی‌تا). الإیتقان فی علوم القرآن (تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم). بی‌جا: منشورات شریف رضی - بیدار عزیزی.
- طالقانی، سید محمود. (بی‌تا). پرتوی از قرآن. بی‌جا: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۶ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم). تهران: دار الکتب الإسلامية.
- عثمانی دیوبندی، محمدشفیع. (۱۴۲۸ق). معارف القرآن. کراچی: اداره معارف.
- کلانتری، ابراهیم. (۱۳۸۲). قرآن و چگونگی پاسخ‌گویی به نیازهای زمان. تهران: دفتر نشر معارف.
- گروه نویسندگان مجتمع آیت‌الله طالقانی. (۱۳۸۷). درس‌هایی از قرآن (چاپ دوم). بی‌جا: شرکت سهامی انتشار.
- گلشنی، مهدی. (۱۳۸۷). قرآن و علوم طبیعت (چاپ چهارم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مطوری، علی و مرادی، فاطمه. (۱۴۰۲). تفسیر علمی قرآن کریم. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- مودودی، ابوالاعلی. (۲۰۰۷). تفهیم القرآن (چاپ ۴۷). لاهور: ترجمان القرآن.